

جنبش کارگری "گامی به پیش" و "گام های" پیش رو!

سرمایه جهانی و به تبع آن سیستم بورژوازی حاکم در ایران برای دفاع از سیادت طبقاتی خود و برای خنثی کردن اعتراضات کارگری دست به اقدامات و دسیسه‌چینیهای گوناگونی میزند که یکی از آنها سرکوب عریان می باشد.

با بررسی اجمالی اعتراضات گذشته کارگران ما شاهد آن بوده ایم که هر تجمع اعتراضی کارگری بدون کوچکترین تردید، سرکوب و از تجمع کارگران ممانعت بعمل می آمد. هر چند این روند سرکوب کماکان ادامه دارد و حتی بر دامنه‌ی آن افزوده شده؛ اما امروز شاهد آن هستیم که به یمن بصیرت سیاسی، آگاهی طبقاتی، از خودگذشتگی، جسارت و مقاومت تحسین برانگیز کارگران در سالهای اخیر، امروز تجمع و اعتراض در مقایسه با گذشته کم هزینه تر شده است. این پیشروی جنبش کارگری نقطه عطفی مهم در مبارزات کارگری است. چرا که به یمن تلاش و پی گیری کارگران و فعالین و پیشروان کارگری ما شاهد آن هستیم که سطح مبارزه توانسته است گامی هر چند کوچک، اما پیش رونده را در بر داشته باشد. اگر ما قبلاً شاهد اعدام فعالین کارگری (جمال چراغ ویسی و...) بودیم، اگر ما شاهد به گلوله بستن و جانباختن کارگران مس خاتون آباد، به خاطر دفاع از ابتدائی ترین خواست آنها بودیم، اگر اعتصاب سال ۸۵ کارگران پر ریس سندانج با وحشیانه ترین حالت ممکن سرکوب شد، اگر ما شاهد سرکوب اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش و ده‌ها نمونه دیگر از سرکوب ها بوده ایم؛ امروز به یمن همین سر سختی و پافشاری بر خواست‌های طبقاتی است که کارگران کم هزینه تر از گذشته دست به تجمع و اعتراض میزنند.

فعالین کارگری بطور مشخص، از سال ۱۳۸۳ ایجاد تشکلات کارگری به نیروی خود کارگران را در دستور کار گذاشته و بطور خستگی ناپذیر در فراگیر کردن این خواست کارگری تلاش کردند. امروز به جرات میتوان گفت که این شعار به شعار روتین و کنکرت اعتراضات کارگری تبدیل شده و خواست ایجاد تشکل کارگری یکی از خواست‌های اساسی کارگران در اعتراضات کارگری می باشد. نکته‌ی مهمتر آنکه اراده برای عملی کردن این خواست در سطح قابل توجهی بوجود آمده است.

مبارزه کارگران هر روز توانمند تر از گذشته با اتکاء به نیروی خویش در باز شناخت توانمندی های خود گام بر میدارد. هر چند مبارزه دارای اوج و افول بی نهایی می باشد و بی شک تا توازن قوای بهتر همیشه دست آورد های کارگران احتمالاً نسبت به شکست های آن کمتر است؛ اما باید باور داشت که مبارزه واقعی این چنین خصلتی را در نهان خود داشته و دارد، چرا که مبارزه طبقاتی با اتکاء به نیروی توده‌ی کارگران هدایت و سازماندهی میشود و از هر گونه کار ولونتاریستی و آوانتوریستی به دور می باشد.

ما شاهد آن هستیم که شرایط سرکوب میتواند یک فاکتور اصلی در عدم پیشروی جنبش کارگری محسوب گردد، اما نمی تواند برای همیشه در مقابل خواست کارگران عامل تعیین کننده ای باشد. در روند اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ما شاهد سر کوب و دستگیری فعالین و نمایندگان کارگری بودیم، اما با توجه به اراده طبقاتی و پافشاری همراه با آگاهی نسبی در ایجاد تشکل کارگری، با تمام موانع پیش رو، کارگران نیشکر هفت تپه توانستند یک بار دیگر این باور را شکوفا نمایند که در مقابل سرمایه میتوان ایستاد و این اراده طبقاتی میتواند فضای سرکوب را تا حدی تغییر دهد. کارگران نیشکر هفت تپه با عزم راسخ خود به این امر نائل آمده و تشکل مورد نظر خود را اعلام کردند.

کارگران نساجی کردستان ناچاراً همگی تسلیم به پذیرش تسویه حساب شدند چرا که با توجه به تمام اعتراضات جانانه ای که از خود نشان دادند اما به دلایل عدیده از جمله ضعف مالی کارگران، این مبارزه متوقف شد. اما از طرفی دیگر، کارگران نساجی (تعداد ۶۵ نفر) در پیگیری مطالبه خود یعنی دریافت دیه به خاطر بیماری ناشی در حین کار، توانستند با حکم دادستانی مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان اموال شرکت نساجی کردستان را به نفع خود مصادره نمایند و همچنین در نتیجه تلاش و مبارزه جمعی و متشکل کارگران کارخانه ی ایران برک، کارگران اخراجی این کار خانه، بر سر کارهای خود باز گشتند.

کارگران پر ریس با ادامه مبارزه و تسلیم نشدن در مقابل خواست کارفرما مینی بر تسویه حساب و ادامه مبارزه تا کنونی آنها، اداره کار را وادار کرده اند که حکم بازگشت به کار کارگران آن واحد را صادر نماید.

کارگران فرش غرب بافت با توجه به اینکه کارفرما همچنان بر اخراج و تسویه حساب کارگران پای میفشارد اما تا کنون کارگران این واحد تولیدی، تسلیم این خواست کارفرما نشده اند و مبارزه آنها همچنان ادامه دارد.

کارگران لاستیک سازی البرز - کیان تایر- با به تصرف در آوردن کارخانه و تداوم مبارزه به بعضی از خواسته‌های خود رسیدند و برای رسیدن به بقیه‌ی مطالبات همچنان برخواست‌های خود مصمم هستند. و کارگران چینی گیلان با کنترل کارگری، کارخانه را هنوز در تصرف خود دارند.

بله؛ اینها و شاید ده‌ها نمونه دیگر از مبارزات کارگری، توانمندی این طبقه را نشان میدهد و این تنها اشاره به مراکزی است که خبر آن از ممیزی دولتی و مطبوعاتی گذشته و در سطح جنبش کارگری علنی شده است.

باید با اتکاء به این دست آوردها گامهای بعدی را برداشت. برای اینکار باید ویژگی شرایط کنونی را شناخت. ویژگی شرایط امروز وجود یک بحران اقتصادی جهانی است که سرپای نظام سرمایه‌داری را فراگرفته است.

آمریکا که داعیه ایجاد نظم نوین جهانی را دارد و پایان تاریخ را به وسیله متفکرین "ابله" خود با رقص و پایکوبی، بعد از فروپاشی شوروی، اعلام نمود، امروز چهار دست و پا در باتلاق بازار آزاد و بحران آن، خود را گرفتار می بیند.

بحران "وال استریت" و اعلام ورشکستگی " لیمن برادرز" یکی از بزرگترین بانک های ایالات متحده آمریکا لوزه بر اندام نظام سرمایه‌داری در این مملکت انداخت. این بحران خود را از مرزهای جغرافیایی، وطنی و حصارهای خودتنیده آمریکا رها ساخته است و به سرعت دامن اقتصادهای بزرگ را گرفته و بدرجات گوناگون اقتصاد کشورهای تحت سلطه و یا به اصطلاح در حال توسعه را نیز زیر تاثیر قرار داده است.

خادمان و تنورسین های ریز و درشت لیبرالیسم اقتصادی، تاجرپسم و اقتصاد کینزگرا برآنند که بحران اخیر، که ذاتی سیستم سرمایه داری است را، با عدم مدیریت مدیران و کمبود قوانین و مقررات توجیه نمایند، اما آنچه انکار ناپذیر است گفته مارکس میباشد که مستدل کرد بحران همزاد نظام سرمایه داری است، نظامیکه تضادهای ذاتی مرگبار و بحرانهای مهلکش سرانجام آن را به سوی زوال و نابودی می کشاند.

سرمایه‌داری به خاطر افسار گسیختگی در توحش و داشتن تمامی ابزارهای سرکوبگر خود از جمله پلیس، ارتش، نیروهای امنیتی، آدم کش های حرفه ای و نیروهای شبه نظامی که در ترور و به آشوب کشاندن و نا امن کردن جامعه آموزش های وافی و کافی را دیده‌اند و نیز از امکانات عظیم مالی، رسانه‌یی و غیره بر خوردارند، این بار هم شاید بتوانند اقتصاد در حال احتضار و پوسیده خود را از باتلاق بحران پر از تعفن سرمایه بیرون بکشاند، اما هر بحران مقدمه‌ای برای یک بحران ویرانگرتر بعدی است.

سرمایه داری با داشتن انواع حامیان رنگارنگ خود، در راستای تحمیل بیشتر استثمار، فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی رو به رشد، با تزویر و ریا و به انقیاد کشاندن کارگران، با حمله به سطح معیشت آنان و دست درازی به حقوق آفرینندگان نعمات مادی، سایه شوم خود را می گستراند و هر روز بیشتر از گذشته در راستای تعمیق مناسبات ظالمانه خود می کوشد. اما مبارزه‌ی جبهه‌ی کار علیه سرمایه نیز در اشکال گوناگون ادامه دارد.

ما در ایران شاهد رشد فزاینده بیکاری و اخراج سازی های گسترده، فشار افسار گسیخته صاحبان سرمایه بر کار و زندگی کارگران و فاصله نجومی بین کارگران و سرمایه داران هستیم. جواب اعتراضات کارگران و فعالین کارگری شلاق و زندان است. پس لوزه های بحران آمریکا در ایران با ساده نگری کارشناسان پاسخ داده میشود! یکی آن را غضب خداوند می خواند و آن دیگری برای دل خوش کردن صاحبان سرمایه می گوید: "اگر نفت به بشکه ای ۵ دلار هم برسد ما ایستاده ایم!!"

ما بر اساس شواهد عینی و داده‌های علمی میدانیم که بحران با کاهش قیمت نفت به ایران رسیده و در آینده نیز بطور وسیعی دامن مردم کارگر و توده‌ی زحمتکش را خواهد گرفت. باید برای دفاع از سطح زندگی و حقوق کارگران و توده‌هایی که چشم‌امیدشان به کارگران است آماده شد. تداوم مبارزه‌ی کنونی و رشد و گسترش آن وظیفه‌ی کارگران سوسیالیست است.

اعتراضات اخیر کارگران در مراحل مختلف مبارزاتی خود شاهد این مدعاست و ما هر روز بیشتر از گذشته شاهد حضور جنبش کارگری می‌باشیم. امروز طبقه کارگر در ایران با حرکت‌های خود انگیزه و بر اساس بی‌حقوقی‌های اعمال شده می‌رود که زمینه‌ساز حضور گسترده تری از کارگران در عرصه مبارزات طبقاتی را شامل شود.

بی‌شک کارگران و فعالین کارگری امروز بیش از گذشته در امر مبارزه خودساخته، دارای تجارب بی‌نظیری می‌باشند. اما همانطور که شاهدیم تعداد بی‌شماری از هم طبقه‌ای‌هایمان هنوز به صف میلیونی این کارزار ره نیافته‌اند.

کارگران به خاطر داشتن شرایط ویژه، امروز تنها راه را مبارزه بر علیه این بی‌حقوقی‌ها می‌دانند. علیرغم ارباب و سرکوب که فاکتور اساسی در به عقب راندن مبارزات کارگری در ایران است، باز ما شاهد مبارزه کارگران در راستای تحقق مطالبات خود می‌باشیم. کارگران هر چند به وسیله نیروهای امنیتی هم چنان سرکوب میشوند، اما با بررسی روند مبارزات گذشته تا به امروز توانسته است گام‌های اساسی (هر چند کوچک!) را در مبارزات جنبش کارگری به ثبت برسانند.

مبارزات کارگران در داخل، نیروی پشتیبان خود را نیز در خارج پیدا کرده است. امروز ما شاهد آن هستیم که فعالین صدیق جنبش کارگری، در خارج از کشور، مبادرت به تشکیل نهادها، کمیته‌ها و کانونهای دفاع از کارگران ایران کرده‌اند و در این راه به مثابه پشت جبهه‌ی مبارزات کارگران ایران از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. و با اعتراضات آکسیونی، اطلاع‌رسانی، جمع‌آوری کمک‌های مادی و ...، توانسته‌اند تا حدودی به پیوند جهانی مبارزات کارگری کمک رسانده که این در تاریخ جنبش کارگری ایران در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. بی‌شک این پیوند جهانی مابه‌ازای حضور کارگران و تبلور یک مبارزه زنده و پویا در داخل است.

با توجه به مختصر اشاراتی که نسبت به موقعیت نظام سرمایه و پیشروی جنبش کارگری انجام گرفت، اینک باید فعالین سوسیالیست و تمامی کمیته‌ها و تشکلات کارگری بنا به این پیشروی، با پلاتفرم منطبق با شرایط کنونی به مثابه پیشروان جنبش کارگری با طرح اصولی‌ترین راه کارهای عینی و عملی، فاز نوینی را در جنبش کارگری در دستور گذارند.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری" یکی از کمیته‌های فعال و رادیکال درون جنبش کارگری ایران است که توانسته با تمام ضعف‌ها و موانع پیش‌رودر امر تبلیغ و ترویج انواع تشکلات توده‌ای طبقاتی، گام‌هایی را برداشته و باید بتواند با توجه به پیشروی نسبی جنبش کارگری نقش عملی و جدید را در دستور کار خود داشته باشد.

با پیشروی نسبی جنبش کارگری بی‌شک تمامی حامیان سرمایه، از گرایش راست درون جنبش کارگری گرفته تا فرمیست‌های دو آتش و چپ‌نما، هر کدام به نحوی در به انحراف کشیدن این جنبش از پای نخواهند نشست. کانون آمریکایی همیستگ با کارگران ایران (وابسته به سولیداریتی سنتر) یکی از مراکز توطئه‌گر، که سعی دارد به انحاء مختلف، جنبش کارگری را به فساد بکشاند و از طریق کسانی همچون مهدی کوهستانی نژاد به خاطر پیشبرد اهداف خود، در جنبش کارگری نفوذ و از توانمندی و گرایش سوسیالیستی این جنبش کاسته و افق و استراتژی طبقاتی را به مصالحه و رایزنی با سرمایه‌داری تنزل نماید. سولیداریتی سنتر بخش بین‌المللی فدراسیون کار آمریکا (ای اف ال) می‌باشد. بودجه این مرکز ضد کارگری توسط دولت آمریکا و بنیاد اوقاف ملی برای دموکراسی که از حمایت همه جانبه‌کنگره آمریکا برخوردار است، تامین میشود. مهدی کوهستانی نژاد با امکانات این مرکز امپریالیستی، می‌خواهد با تشکیل مثلث شوم در ایران و احتمالاً با همکاری چند آدم‌خورد در داخل، جنبش کارگری را تحت سیطره این مرکز قرار داده و جنبش کارگری را به مثابه ابزاری در خدمت سیاست‌های بورژوازی برای معادلات جهانی گوشت دم توپ نماید.

جنبش کارگری ایران بارها ضربات مرگ باری را تجربه کرده است و آخرین نمونه بارز را میتوان در قیام ۵۷ ایران و به انحراف کشاندن اعتصاب کارگران شرکت نفت را یاد آور شد.

بی شک تبیین افق مبارزه طبقاتی یکی از وظائف دیرینه و بی وقفه گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری بوده و هست، امروز باید این مهم با دقت و وسواس و پختگی خاصی دنبال شود. وظیفه کارگران و پیشروان کارگری است که امروز با سبک کار عینی و مشخص در امر پیشروی این مبارزه طبقاتی همچون گذشته نقش تاریخی طبقاتی خود را ایفا نمایند. جنبش کارگری باید بتواند حول شعارها ی واقعی، خود را سازماندهی نماید که جدای از دست یابی به خواست های فوری و آنی بتواند افق طبقاتی را در دورنمای خود داشته باشد. امروز پیشروان طبقه کارگر بیش از پیش باید با اتکاء به نیروی کارگران و هژمونی طبقاتی آنان، ضمن مبارزه برای ایجاد انواع تشکلات توده ای طبقاتی، ایجاد تشکل شورائی که عالیترین شکل ممکن برای ادامه مبارزه ای پیگیر و همه جانبه است را به شعار روزانه مبارزات کارگران تبدیل نمایند. و با استفاده از نیروی عظیم کارگران گامی نوین را پیش روی خود داشته باشند. اگر فعالین جنبش کارگری نتوانند در ارتقاء سطح جنبش با توجه به حضور کارگران در این عرصه سبک کار مشخصی را نهادینه نمایند، بی شک بورژوازی بنا به توانمندی مالی و با استفاده از قدرت دستگاه های سرکوبگر خود و با اتکاء به گرایشات رفرمیستی و سندیکالیستی میتواند دوباره چندین دهه دست آورد های تا کنونی کارگران ایران را به عقب رانده و مبارزه کارگری را در سطح یک خواست نیم بند و دادن تشکل های خود ساخته دولتی سازماندهی نماید.

پس فعالین و پیشروان جنبش کارگری به مثابه پیش قراولان این جنبش باید هم چون گذشته به این مهم پرداخته و با توجه به سطح پیشروی جنبش کارگری، باید بتوانند شوق یک خیز بلند را تجربه نمایند. بی شک گام های پیش رو با حضور فعال کارگران آگاه، در مبارزه ی طبقاتی میسر و امکان پذیر می باشد.

بهزاد سهرابی

"عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

آذرماه ۱۳۸۷
